

رابطه مهارت‌های زندگی اجتماعی با مؤلفه‌های آموزش سیاسی دانشجویان مطالعه موردی: دانشگاه شهید باهنر کرمان

اصغر سلطانی، استادیار، بخش علوم تربیتی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران*
حسین معین‌آبادی، استادیار، بخش علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی رابطه مهارت‌های زندگی اجتماعی با مؤلفه‌های آموزش سیاسی در دانشجویان است. بر اساس این، رابطه مؤلفه‌های مختلف مهارت‌های زندگی اجتماعی شامل خودآگاهی، ارتباط‌های انسانی، روابط میان‌فردی، تصمیم‌گیری، مشارکت و همکاری، تفکر انتقادی و شهروندی جهانی با مؤلفه‌های چهارگانه آموزش سیاسی یعنی دانش سیاسی، نگرش سیاسی، مهارت سیاسی و رفتار سیاسی سنجیده شده است. جامعه آماری پژوهش، کلیه دانشجویان دوره‌های کارشناسی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید باهنر کرمان در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ و نمونه مدنظر، ۳۷۵ نفر بودند. ابزار پژوهش نیز شامل پرسشنامه مهارت‌های زندگی اجتماعی (پایایی ۰/۹۳) و پرسشنامه محقق‌ساخته سنجش مؤلفه‌های آموزش سیاسی دانشجویان (پایایی ۰/۸۶) بود. نتایج نشان دادند همه مهارت‌های زندگی اجتماعی دانشجویان، رابطه مثبت، معنادار و در حد متوسطی با هر یک از مؤلفه‌های آموزش سیاسی دانشجویان دارند. همچنین مهارت‌های تفکر انتقادی، شهروندی جهانی و خودآگاهی، مهم‌ترین متغیرهای پیش‌بین مؤلفه‌های آموزش سیاسی به شمار می‌روند و جنسیت نیز برای آموزش سیاسی دانشجویان، پیش‌بین معناداری نیست.

واژه‌های کلیدی: آموزش سیاسی، دانشجو، دانشگاه، مهارت‌های زندگی اجتماعی

مقدمه و بیان مسأله

مهارت‌های زندگی اجتماعی به گروه بزرگی از مهارت‌های اجتماعی، روانی، ارتباطی و میان‌فردی اطلاق می‌شوند که به افراد کمک می‌کنند تصمیم‌های خود را آگاهانه اتخاذ، به‌طور مؤثر ارتباط برقرار کنند و مهارت‌های مقابله‌ای و مدیریت شخصی خود را گسترش دهند (قاسم‌آبادی و خانی، ۱۳۷۳). این مهارت‌ها مجموعه‌ای از توانایی‌هایی هستند که به فرد امکان می‌دهد نسبت به سایر انسان‌ها، جامعه، فرهنگ و محیط خود، مثبت و سازگارانه عمل کند (سهرابی و همکاران، ۱۳۹۰). سازمان بهداشت جهانی، مهارت‌های زندگی اجتماعی را شامل توانایی تصمیم‌گیری، حل مسأله، تفکر خلاق، تفکر انتقادی، خودآگاهی، همدلی، روابط میان‌فردی و مقابله با هیجان‌های توصیف می‌کند (سازمان بهداشت جهانی، ۱۳۸۰). در زندگی اجتماعی دانشجویان نیز این مهارت‌ها در قالب شخصی و اجتماعی تقسیم‌بندی می‌شود و دانشجویان با یادگیری آن‌ها خواهند توانست درباره‌ی خود، انسان‌های دیگر و کل اجتماع به‌طور مؤثرتر و شایسته‌تری عمل کنند (امیری برمکوهی، ۱۳۸۸). از جمله زمینه‌های زندگی اجتماعی دانشجویان، که از میزان کیفیت مهارت‌های زندگی اجتماعی، تأثیر مستقیم می‌پذیرد، حوزه‌های مربوط به مشارکت سیاسی دانشجویان است که خود به درجه و میزان مطلوبیت آموزش‌های سیاسی دانشجویان بستگی دارد.

در مفهوم‌پردازی آموزش سیاسی، آموزش سیاسی از تدریس علوم سیاسی و مسائل مربوط به دولت مجزا است، مفهومی گسترده‌تر از علم سیاست است و بر مشارکت و عمل تأکید دارد، از این‌رو به‌طور ذاتی فرایندی غیرآکادمیک^۱ است (Lee, 1997). آموزش سیاسی که زیرمجموعه‌ی تربیت اجتماعی است، اهمیت زیادی دارد و گفتنی است از میان کارکردها و نقش‌هایی که بر عهده‌ی نظام آموزشی یک کشور است، آموزش سیاسی و مدنی یکی از کارکردهای مهم آن است؛ زیرا تداوم حیات جامعه تا حد زیادی به این کارکرد بستگی دارد.

آموزش سیاسی با ایجاد دلبستگی و وابستگی دانشجویان به ارزش‌ها، افکار و نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی مدنظر، امکان تداوم، حفظ و استمرار حاکمیت سیاسی را فراهم می‌آورد؛ بنابراین گفتنی است با آموزش سیاسی، علاوه بر انتقال گرایش‌ها و الگوهای فکری در چارچوب سنت‌های رایج سیاسی کشور، انتقال سیاسی و عضوگیری برای نظام سیاسی و حکومت نیز انجام می‌شود (مزروقی، ۱۳۸۴).

با این حال، هدف آغازین آموزش سیاسی رسیدن به نوعی سواد سیاسی^۲ است. کریک و لیستر (Crick & Lister, 1974) «سواد سیاسی را دانش، مهارت‌ها و نگرش‌هایی می‌دانند که افراد برای با سوادشدن سیاسی و توانایی به‌کارگیری این سواد (خواه مرد و خواه زن) لازم دارند» (in: Lee, 1997). سواد سیاسی، پتانسیلی برای مشارکت سیاسی آگاهانه در نظر گرفته می‌شود. اگرچه سواد سیاسی به‌شکل مستقیم اندازه‌گیری نمی‌شود؛ فرض بر این است که اگر افراد از نظر سیاسی با سواد باشند، تفاوت‌های حزبی را درک می‌کنند و مفاهیم و واقعیت‌های اساسی سیاسی را می‌شناسند. از سواد سیاسی با اسامی دیگری همچون تجربه‌های سیاسی، آگاهی سیاسی و قابلیت شهروندی نیز یاد می‌شود (Cassel & Lo, 1997).

در جوامعی که مشارکت و رقابت سیاسی در آن‌ها رو به گسترش است و عامه‌ی مردم حضور فزاینده‌ای در عرصه‌ی فعالیت‌های سیاسی پیدا می‌کنند، نیاز به آموزش مدنی نیز به‌شکل زیادی افزایش پیدا می‌کند. منظور از آموزش مدنی، انتقال آگاهی‌ها و دیدگاه‌ها به عامه‌ی مردم است، به‌گونه‌ای که آنان را هرچه بیشتر برای احراز شأن شهروندی در جامعه‌ای مردم‌سالار آماده کند. آموزش مدنی و سیاسی ممکن است با آگاهی‌دادن لازم از انفعال سیاسی افراد جلوگیری کند (بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۳). هسته‌ی اصلی آموزش مدنی را اطلاعات و آگاهی‌هایی تشکیل می‌دهند که در دانش سیاسی گرد هم می‌آیند. آموزش دانش سیاسی در سطحی گسترده‌تر از مراکز علمی و دانشگاهی در سرنوشت نظام‌های سیاسی تأثیرگذار است. به نظر می‌رسد برای گسترش مشارکت و رقابت سیاسی

^۱ non-academic منظور این است که آموزش سیاسی در محیط‌هایی غیر از محیط‌های رسمی آموزشی نیز می‌تواند اتفاق بیفتد.

^۲ political literacy

مؤلفه‌های آموزش سیاسی دانشجویان وجود دارد. مسأله مطرح در این مقاله، کاوش و بررسی این رابطه و میزان آن و مشخص کردن سهم هر یک از مهارت‌های زندگی اجتماعی در پیش‌بینی مؤلفه‌های سیاسی دانشجویان است. در ادامه، ضمن بررسی زمینه‌های نظری این مسأله، برخی پژوهش‌های انجام‌شده در این موضوع نیز بررسی می‌شوند.

چارچوب نظری پژوهش

مبانی و چارچوب نظری این پژوهش در دو بخش مهارت‌های زندگی اجتماعی و مؤلفه‌های آموزش سیاسی بررسی شده‌اند. در هر بخش، مؤلفه‌های مربوط به هر یک از این دو مقوله، معرفی و مبانی نظری هر یک تبیین شده است.

مهارت‌های زندگی اجتماعی

طیف وسیعی از نظرات در تبیین مهارت‌های زندگی اجتماعی وجود دارد (سازمان بهداشت جهانی (۱۳۸۰)، بوتوین^۲ و کانتور^۳ (۲۰۰۷)، مس و همکاران^۴ (۲۰۱۰)، بولمن^۵ (۲۰۰۴)، فاکس و همکاران^۶ (۲۰۰۳)، لوزر و همکاران^۷ (۲۰۰۴) و ساوی^۸ و اسمیت^۹ (۱۹۹۷). با این حال اشتراک‌های فراوانی در این نظرات درباره مهارت‌های زندگی اجتماعی دیده می‌شود. با مقایسه و هم‌آوری طبقه‌بندی‌های مختلف از مهارت‌های زندگی، برخی مهارت‌های اساسی شامل خودآگاهی، ارتباط‌های انسانی، روابط میان‌فردی، تصمیم‌گیری، مشارکت و همکاری^{۱۰}، تفکر انتقادی و شهروندی جهانی شناسایی می‌شوند که در ادامه به‌شکل مختصر تشریح شده‌اند.

خودآگاهی دست‌کم از دوران دکارت، موضوع مباحث فلسفی بوده و مهارتی است که از سال‌های نخستین زندگی و با افزایش آگاهی به خود به‌صورت شخصیتی مجزا در انسان

در ایران، آموزش دانش سیاسی به یکی از نیازهای عمومی دانشجویان و حتی دانش‌آموزان تبدیل شده است (بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۳۸۰). از نظر رایندرمن^۱ (۲۰۰۸) آموزش و افزایش توانایی‌های شناختی و دانش افراد، تأثیر مثبتی در تمامی بروندهای سیاسی شامل دموکراسی، حاکمیت قانون و آزادی سیاسی دارد. نتایج پژوهش‌های مختلف در این زمینه نشان می‌دهند آموزش و توانایی شناختی، قابلیت‌ها، نگرش‌ها و رفتار را در راستای مشارکت سیاسی در طول زندگی تغییر می‌دهند (Vanhanen, 2007). هدف توسعه این قابلیت‌ها، داشتن شهروندانی است که دموکراتیک عمل کرده و به‌طور فعال نه در زندگی اجتماعی، بلکه در زندگی سیاسی نیز شرکت کنند. مشارکت سیاسی نیازمند دانش درباره موضوعات سیاسی، مهارت‌های استفاده از ابزارهای سیاسی و در اختیارگرفتن رویه مناسب و بسنده است. همچنین مشارکت سیاسی، ممکن است نشانه نگرش مثبت به سیاست کشور باشد (Darjan & Predescu, 2010).

دانشجویان، که از فعال‌ترین گروه‌های جامعه در عرصه مشارکت سیاسی و اجتماعی هستند، قابلیت‌هایی در عرصه آموزش سیاسی دارند که به نظر می‌رسد به میزان زیادی گسترش، بهبود و افزایش آن به قابلیت‌های دیگری بستگی دارد که در قالب مهارت‌های زندگی اجتماعی متبلور می‌شوند. این مهارت‌ها در کنار سایر عوامل، از جمله کیفیت آموزش‌های دانشگاهی، برنامه‌های درسی دانشگاهی، ساختار سیاسی کشور، زمینه‌های قانونی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی برای مشارکت در عرصه‌های مختلف حیات سیاسی و اجتماعی کشور، جهت‌دهنده و شکل‌دهنده به آموزش سیاسی دانشجویان هستند که در عرصه عمل، بیشترین نمود را در مشارکت آنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی مختلف، مانند انتخابات، عضویت در شوراها و سایر گروه‌های اجتماعی تشکیل‌دهنده یک جامعه مدنی دارد. بر اساس این، به نظر می‌رسد رابطه هم‌جهت و مستقیمی میان چگونگی قابلیت‌ها و مهارت‌های اجتماعی دانشجویان با چگونگی و کیفیت

² Botvin

³ Kantor

⁴ Maas et al.

⁵ Boleman

⁶ Fox et al.

⁷ Loeser et al.

⁸ Sawi

⁹ Smith

¹⁰ participation

¹ Rindermann

تصمیم‌گیری، فرایند انتخاب یک گزینه به جای گزینه‌های جایگزین دیگر است و از جمله مهارت‌های زندگی اجتماعی است که بوتوین و کانتور (2007)، مس و همکاران (2010)، بولمن (2004)، لوزر و همکاران (2004) و ساوی و اسمیت (1997) بر آن تأکید کرده‌اند. تصمیم‌گیری، فرایند جستجوی ساختارهای غالب، به هنگام وجود گزینه‌ای بهتر از سایر گزینه‌ها است (Montgomery, 1983). این فرایند به سبک‌های شناختی و مقوله‌بندی مربوط است. در این راستا دو نظریه تصمیم‌گیری وجود دارد. تصمیم‌گیری عقلانی که به چگونگی تصمیم‌سازی منطقی مربوط است و تصمیم‌گیری روان‌شناختی که ناظر به چگونگی انتخاب گزینه‌ای بهینه است. مهارت تصمیم‌گیری شامل جستجو برای جایگزین‌ها یا گزینه‌ها، بررسی شواهد و ارزش‌ها، ارزیابی و بازاریابی پیامدها و جستجوی اطلاعات و همگون‌سازی غیرجهت‌دار اطلاعات است (Jenkins, 1985). تصمیم‌گیری فعالانه بر مبنای آگاهی، تصمیم‌گیری بر مبنای ارزیابی دقیق موقعیت‌ها، آمادگی برای تغییر تصمیم‌ها برای انتخاب گزینه مناسب، استفاده از معیارهای مرتبط برای انتخاب گزینه مناسب، گردآوری اطلاعات به هنگام تصمیم‌گیری و پای‌بندی به اجرای تصمیم و اطمینان از تصمیم‌های خود، در حیطه این مهارت قرار دارند.

مشارکت و همکاری جمعی، یکی از مهارت‌های زندگی اجتماعی است که از دیرباز با زندگی انسان‌ها پیوند داشته است (Maas et al., 2010; Boleman, 2004). مشارکت، درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزاند برای دستیابی به اهداف گروه، همدیگر را یاری کنند و در مسئولیت کار شریک شوند. بر اساس تعریف فوق، درگیر شدن، یاری‌دادن و مسئولیت‌پذیری، سه ویژگی مهم مشارکت است (بهره‌مند، ۱۳۹۲). مشارکت و همکاری نه تنها به حوزه سیاسی شهروندی متعلق است؛ به میزان رو به افزایشی به حوزه اجتماعی مربوط است و شامل «تمایل به مشارکت داوطلبانه»، «اعتماد به خود برای تأثیرگذاری در محیط اجتماعی» و «تمایل به اعتراض در برابر نابرابری» است (Geboers et al., 2013). در مؤلفه مشارکت و همکاری، مواردی چون درک و تقبل انواع نقش‌ها در گروه، شناسایی

شکل می‌گیرد (لطیفیان و سیف، ۱۳۸۶). این مهارت، که از جمله مهارت‌های زندگی اجتماعی مدنظر سازمان بهداشت جهانی (۱۳۸۰) نیز است، شامل شناخت ویژگی‌ها، توانایی‌ها، افکار، باورها و داشتن تصویری واقع‌بینانه از خود است. فرد با کاربست این مهارت، خود را ارزیابی می‌کند و به رفتار در راستای انتظارات دیگران تمایل دارد (بهره‌مند، ۱۳۹۲). آگاهی از حقوق و مسئولیت‌های خود، قدرت بیان ارزش‌ها، نگرش مثبت به خویش، قدرت شناسایی رفتارهای مثبت دیگران و کمک‌گرفتن از روش‌های فردی برای انجام کارها، از مصداق‌های مؤلفه خودآگاهی در مهارت‌های زندگی اجتماعی هستند.

بولمن (2004)، فاکس و همکاران (2003)، لوزر و همکاران (2004) و ساوی و اسمیت (1997) بر ارتباط انسانی، تأکید می‌کنند. ارتباط انسانی، مهارتی است ناشی از برآورده شدن نیاز دگرخواهی انسان، به گونه‌ای که برقراری آن، زمینه‌ساز فعالیت‌ها و زندگی اجتماعی است. پرسش‌گری و به‌کارگیری روش‌های مناسب برای برقراری ارتباط، گوش‌سپردن فعال به سخنان دیگران، برخورداری از مهارت ارتباطی کلامی و غیرکلامی و قدرت نه گفتن به خواسته‌های غیرمنطقی، مواردی هستند که در ارتباطات انسانی به آن‌ها توجه می‌شود (بهره‌مند، ۱۳۹۲).

ارتباط میان فردی از خود آغاز می‌شود، به گونه‌ای که ارتباط با خویشان (درون فردی) در ارتباط با دیگران (بین فردی) اثر می‌گذارد؛ بنابراین خودشناسی و خودآگاهی، لازمه داشتن رابطه بین فردی (اجتماعی) است (شرفی، ۱۳۹۰). در ارتباط میان فردی، «دیگری» عامل تغییر به شمار می‌رود. در ارتباط با دیگری (فرد دیگر) نوعی یادگیری در فرد اتفاق می‌افتد. این امر همان فرایند جامعه‌پذیری (اجتماعی شدن) است (جارویس، ۱۳۹۰)؛ بنابراین بهبود مهارت در برقراری رابطه میان فردی به افزایش جامعه‌پذیری فرد منجر خواهد شد. مواردی چون همکاری و مشارکت با سایر افراد، بیان واضح و روشن تفکرات و اهداف خود و همدلی با سایر افراد، زیر این مهارت قرار می‌گیرند.

لحاظ اجتماعی مسئول است و از لحاظ مدنی مشارکت^۳ می‌کند. از دیدگاه گبورز و همکاران (2013) ویژگی‌هایی چون تکثرگرایی و چندفرهنگ‌گرایی نیز در آموزش شهروندی جهانی، جایگاه مهمی دارند. فهم و قدرشناسی از تعامل فرهنگی و اجتماعی، تلاش برای صلح، کوشش برای شناخت و ارتقای حقوق بشر، قدرت برقراری ارتباط با مردم سایر جوامع و اهمیت دادن و احترام به ارزش‌های زیربنایی قوانین بین‌المللی از جمله موضوعاتی هستند که ذیل مقوله شهروندی جهانی بررسی می‌شوند.

مؤلفه‌های آموزش سیاسی

آموزش سیاسی به معنای پرورش دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های لازم برای مشارکت سیاسی، گونه‌ای اولویت و تقدم اخلاقی نسبت به سایر اهداف آموزش دارد؛ زیرا دانشجویان و شهروندان را برای مشارکت فعال در فرایند بازسازی، اصلاح و بهبود آگاهانه جامعه خویش آماده می‌کند (گوتمن، ۱۹۸۹ به نقل از امینی و همکاران، ۱۳۸۸). سواد سیاسی که خود نتیجه مجموعه فعالیت‌ها در قالب آموزش سیاسی است، در شکل دانش سیاسی در کنار نگرش، مهارت و رفتار سیاسی جلوه‌گر می‌شود. اگرچه تمامی این مؤلفه‌ها در نهایت سواد سیاسی فرد را تشکیل می‌دهند؛ از نظر ماهیت و کارکرد با یکدیگر متفاوت هستند. دانش به‌طور عمده جنبه شناختی، آگاهی، اطلاع و دانستن دارد، نگرش جنبه عاطفی، هیجانی و انگیزشی در سواد سیاسی است، مهارت شامل توانایی‌هایی است که فرد در حوزه آموزش سیاسی دارد و در نهایت، رفتار سیاسی شامل مجموعه سه‌گانه دانش، نگرش و مهارت سیاسی است که در میدان عمل واقعی، مانند مشارکت سیاسی و فعالیت‌های اجتماعی، بروز می‌کند و به‌شکل عملی در رفتار فرد نمایان می‌شود (معین‌آبادی و سلطانی، ۱۳۹۴)؛ به‌عنوان مثال، با این برداشت از مؤلفه‌های آموزش سیاسی، «میزان آگاهی‌های مدنی» در حوزه دانش، «میل و انگیزه برای مشارکت سیاسی بیشتر» در حوزه نگرش، «قدرت تفکر درباره مسائل و سیاست‌های عمومی

وجوه اشتراک بین علایق گوناگون، ارزش‌گذاری برای تفاوت‌ها و تشابه‌های اعضای گروه و برقراری تعادل بین نیازهای گروهی و فردی تأثیرگذار هستند.

تفکر انتقادی، مهارت دیگر زندگی اجتماعی است که ناظر بر اندیشیدن فکورانه و مستدلی است که بر تصمیم‌گیری درباره درست بودن یا انجام یک کار تأکید دارد. روح پژوهش موجود در تفکر انتقادی برای فعالیت‌های استدلالی ضروری است (Fung, 2014). از دید روان‌شناسی، تفکر انتقادی دلیل‌آوری مستدل درباره یک ادعا است که نه تنها منطقی؛ توانایی‌های عقلانی را برای استفاده از مهارت‌های شناختی برای افزایش احتمال یک پیامد مطلوب به کار می‌گیرد. این مهارت ویژگی مطلوب مجموعه‌های آکادمیک است و لازم است رشد آن در دانشجویان تسهیل شود (Manalo et al., 2013). در مؤلفه تفکر انتقادی، مقوله‌هایی مانند بررسی دقیق منابع و عقاید و ارزیابی اعتبار آن‌ها، مشاهده موقعیت‌ها از دیدگاه‌های مختلف و تشخیص درست از نادرست و داشتن ذهنی باز و متفکرانه برای اظهارنظر درباره مسائل، مدنظر است.

شهروندی جهانی، مهارت دیگر زندگی اجتماعی است. احترام به گوناگونی و حقوق بشر و آزادی‌های عمومی و تعهد به ارزش‌هایی مانند مدارا، برابری، آزادی، دموکراسی و صلح با آموزش، مفهوم معاصر شهروندی جهانی است (Ghazi, 2000). آگاهی افراد از ویژگی‌های جهانی شدن به شهروندان کمک می‌کند موضوعات سیاسی را درک کنند و مسئولیت‌پذیری آنان برای آینده رشد یابد. سازمان آکسفام^۱ (2006) برخی از ویژگی‌های شهروند جهانی را آگاهی از جهان و نقش خود به‌عنوان شهروند آن، گوناگونی ارزش‌ها و احترام به آن، درک جهان از نظر فناوری، محیطی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، تعصب نسبت به عدالت اجتماعی، مشارکت در اجتماعات محلی و جهانی معرفی می‌کند. استونر و همکاران^۲ (2014) نیز شهروند جهانی را کسی معرفی می‌کنند که از موضوعات جهانی آگاهی دارد، از

¹ Oxfam

² Stoner et al.

³ civically engaged

سیاسی فرد دربارهٔ انتخاب‌های سیاسی معین او در زندگی اجتماعی هستند. میل و انگیزه برای مشارکت سیاسی، حس رقابت‌جویی سیاسی، تمایل برای حضور فعال در عرصه‌های سیاسی، احساس کارآمدی سیاسی مطلوب، انگیزه برای عضویت و رقابت در انتخابات، حس احترام به کثرت‌گرایی در امور و ارزش‌گذاری برای ایده‌های متفاوت و شقوق جایگزین نیز از جمله مواردی هستند که به نگرش سیاسی در قالب مؤلفه‌های آموزش سیاسی جهت می‌دهند.

همچنین مهارت سیاسی شامل مجموعه توانایی‌ها و قابلیت‌های اجتماعی است که به افراد اجازه می‌دهد دریا‌های اغلب متلاطم سیاست را رهبری کنند (McAllister et al., 2015). بر اساس تعریف فریس و همکاران^۵ (2007) مهارت سیاسی، توانایی درک مؤثر دیگران در کار و کاربرد دانش سیاسی برای تأثیر در دیگران است تا به گونه‌ای عمل کنند که باعث بهبود هدف‌های شخصی و یا فردی شوند. رفتار سیاسی شامل چهار زیرحیطه است: تیزبینی اجتماعی^۶، توانایی شبکه‌سازی^۷ (برقراری ارتباط با دیگران)، تأثیر میان‌فردی و صداقت آشکار^۸. تیزبینی اجتماعی، افراد را از لحاظ سیاسی به گونه‌ای توانمند می‌کند که با درک زمینه‌ها یا موقعیت‌ها، نوع رفتار مناسب آن شرایط ویژه را بتوانند تشخیص دهند. همچنین این دیدگاه‌ها به افراد اجازه می‌دهند با تنظیم رفتارهایی که احتمالاً در آن موقعیت مؤثرتر هستند، فرصت‌هایی را برای تأثیر در دیگران شناسایی کنند. توانایی شبکه‌سازی شامل توانش برقراری ارتباط مؤثر و دستیابی به افراد و گروه‌های مهم است. وسعت شبکه‌های افراد، ارتباط‌ها و تماس‌ها، دیدگاه گسترده‌تری دربارهٔ محیطشان می‌دهد که در مشخص کردن فرصت‌ها به آنان کمک می‌کند. تأثیر میان‌فردی نیز شامل توانایی افراد برای گسترش رابطهٔ خود با دیگران (با نفوذ و وارد کردن نیرو) و فنون تأثیر به‌گونه‌ای است که به اثربخشی^۹ منجر شود. سرانجام اینکه صداقت

کشور» در حوزهٔ مهارت و «مشارکت در حل مسائل سیاسی کشور» در حوزهٔ رفتار سیاسی قرار می‌گیرند. از مهم‌ترین کارکردهای نظام آموزش عالی، آموزش سیاسی ناظر بر ایجاد و رشد مجموعه‌ای از شناخت‌ها، عواطف و مهارت‌های سیاسی و اجتماعی در دانشجویان است. در ادامه، هر یک از مؤلفه‌های چهارگانهٔ مربوط به آموزش سیاسی شامل دانش، نگرش، مهارت و رفتار سیاسی بررسی شده‌اند.

دانش سیاسی، از متغیرهای کلیدی در پژوهش‌های مربوط به آموزش سیاسی است که پژوهشگران به آن توجه می‌کنند (Mondak, 1999). دانش سیاسی را گستره‌ای از اطلاعات واقعی و عملی^۱ دربارهٔ سیاست می‌دانند که در حافظهٔ بلندمدت ذخیره می‌شوند. این تعریف نشان می‌دهد دانش سیاسی هم هدف و هم وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف دموکراتیک است و چیزی بیشتر از اطلاعات کم‌مایه و بدیهی^۲ است که اساساً برای سرگرمی و یا اهدافی مرتبط با آن به کار می‌روند (Daw, 2009). همچنین دانش سیاسی از مفیدترین منابع در شکل‌دهی مسئولیت‌های شهروندی افراد جامعه است (Wolak & McDevitt, 2011). به‌طور کلی فرض می‌شود کسانی که نمرات بالایی در دانش سیاسی دارند، بهتر در زندگی سیاسی مشارکت می‌کنند و صدایشان در فرایندهای تصمیم‌گیری سیاسی شنیده می‌شود (Hooghe & Dassonneville, 2011). آگاهی‌های مدنی، سواد انتقادی به مسائل سیاسی کشور، آگاهی‌ها و اطلاعات سیاسی و اندیشه‌های آزادی‌خواهی و عدالت‌جویی از جمله مصادیق دانش سیاسی به شمار می‌روند.

بارادات^۳ (2011) شکل‌گیری نگرش سیاسی اعضای جامعه را علاوه بر عقاید فلسفی آنان، متأثر از عوامل روان‌شناختی دربارهٔ نیاز به تغییر، شرایط اقتصادی، عامل سن و درنهایت دیدگاه فرد دربارهٔ ماهیت انسان می‌داند. مارکوویک^۴ (2010) نیز ساختار شخصیتی افراد را در شکل‌گیری نگرش سیاسی افراد مؤثر می‌داند. هر یک از این عوامل، زمینه‌ساز نگرش

⁵ Ferris et al.

⁶ social astuteness

⁷ networking

⁸ apparent sincerity

⁹ effectiveness

¹ factual

² trivial

³ Baradat

⁴ Markovik

سیاسی دانشجویان و افزایش مهارت‌های مشارکتی، قابلیت‌های اجتماعی و ارزش‌گذاری آنان نسبت به حقوق سایر شهروندان است. سید امامی و منتظری مقدم (۱۳۹۱) نیز در پژوهش خود درباره نقش فرهنگ اعتماد و عملکرد نهادهای سیاسی در ایجاد اعتماد سیاسی در دانشجویان به این نتیجه رسیدند که اعتماد سیاسی، امری خارجی است که خارج از حوزه سیاسی ساخته می‌شود. بر اساس این، اعتماد به نهادهای سیاسی در فرایندی طولانی از جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد. سطح این اعتماد یا بی‌اعتمادی فرد به هنجارهای فرهنگی و ارتباطات و آموزش‌های وی بستگی دارد؛ بنابراین دانشگاه و برنامه‌های آن از جمله محیط‌هایی هستند که این اعتمادسازی به نظام سیاسی کشور در آن شکل می‌گیرد.

همچنین در بسیاری از تحلیل‌های تجربی، حتی هنگامی که به سایر عوامل اجتماعی - اقتصادی نیز توجه شود، آموزش، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده مشارکت سیاسی است. یافته‌های هیلگاس^۳ (۲۰۰۵) نشان می‌دهند نقش برنامه‌های درسی دانشگاه در مشارکت آینده دانشجویان در فرایندهای سیاسی و شهروندی در خور توجه است. یک برنامه درسی علوم اجتماعی، تأثیر مستقیم، مثبت و از نظر آماری، معنادار در مؤلفه‌های مشارکت سیاسی دارد (Hillygus, 2005). این مسأله، که حضور و پیشرفت در آموزش رسمی دانشگاهی، ساز و کاری اساسی برای شکل‌گیری بسیاری از ویژگی‌های شهروندی است، به میزان زیادی بحث‌ناپذیر و پذیرفته شده است. یافته‌های هیلگاس (۲۰۰۵) نشان می‌دهند آموزش به‌طور منظم مشارکت سیاسی، تعداد شرکت‌کنندگان انتخاباتی، مشارکت شهروندی، دانش سیاسی و ایده‌ها و نگرش‌های دموکراتیک را افزایش می‌دهد.

مطالعات علوم اجتماعی به‌طور سنتی معتقدند آموزش یکی از عوامل اصلی تعیین‌کننده جهت‌گیری‌ها و رفتارهای سیاسی شهروندان است (Rindermann et al., 2012). برخی نظریه‌های اجتماعی و سیاسی، اعتماد اجتماعی را عامل مهمی برای مشارکت سیاسی بیشتر می‌دانند (امام‌جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱).

آشکار، توانایی انتقال افکار و اعمال رفتارهایی صادقانه و حقیقی است که دیگران آن را اعتمادکردنی و مؤثق قلمداد می‌کند (McAllister et al., 2015). بر اساس این، قابلیت تصمیم‌گیری سیاسی، مانند قانون‌گذاری و وضع سیاست، قدرت تفکر درباره مسائل و سیاست‌های عمومی کشور، مهارت ارزیابی عملکرد نظام سیاسی کشور، قابلیت یادگیری سیاسی و قابلیت جامعه‌پذیری سیاسی، از جمله مواردی هستند که در حوزه مهارت‌های سیاسی قرار می‌گیرند.

رفتار سیاسی، اساساً رفتار تبادل اجتماعی با هدف‌های فردی است و با رفتار عقلانی متفاوت است (Chang, 2014). در واقع، رفتار سیاسی، مجموعه‌ای از فرایندهای تعاملی است. در این بین، عوامل فردی و فرهنگی و سازمانی، رفتار سیاسی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند و برعکس (Orlikowski, 2000). رفتار سیاسی، فعالیت‌هایی است که برای کسب، توسعه و کاربرد قدرت و سایر منابع برای رسیدن به هدف‌های فردی انجام می‌شوند (Ellen, 2013). آلن و همکاران^۱ (۱۹۷۹) رفتار سیاسی را عمل تأثیرگذاری برای افزایش یا حفظ منافع فردی یا گروهی ارزیابی می‌کنند. مواردی چون عضویت و مشارکت در نهادها و گروه‌های مختلف اجتماعی، مشارکت‌های اجتماعی در حوزه مسئولیت‌های شهروندی، انفعال‌داشتن یا نداشتن سیاسی و مشارکت و همکاری برای حل مسائل سیاسی کشور، در حوزه رفتارهای سیاسی قرار می‌گیرند.

پیشینه پژوهش

بررسی پژوهش‌های مختلف درباره مهارت‌های زندگی اجتماعی و آموزش سیاسی نشان داد تاکنون رابطه میان این مهارت‌ها و مؤلفه‌های آموزش سیاسی دانشجویان در پژوهش مستقلی بررسی نشده است. با این حال، خلاصه‌ای از برخی پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش در ادامه ارائه شده‌اند.

سول^۲ (۲۰۰۳) در پژوهش خود، آموزش سیاسی در دانشگاه را فرایندی می‌داند که ناظر بر تغییر نگرش‌های

^۱ Allen et al.

^۲ Soul

^۳ Hillygus

کلاسی میان دانشجویان و استادان نیز از جمله عواملی است که در دانش و در نتیجه برونداد سیاسی دانشجویان اثرگذار است. تحلیل داده‌های حاصل از مطالعه آموزش شهروندی^۷ در سال ۱۹۹۹ درباره آموزش شهروندی نشان داد وجود جو کلاسی باز، تأثیر مثبتی در دانش شهروندی و ارج نهادن به تعارض و اختلاف سیاسی دارد. علاوه بر این، محیط کلاسی باز، تمایل دانشجویان را به اینکه رأی‌دهندگان آگاه و با بصیرتی باشند، افزایش می‌دهد. همچنین نتایج این پژوهش نشان می‌دهند این شرایط تا اندازه‌ای مشکلات افراد با وضعیت پایین اجتماعی - اقتصادی را می‌تواند جبران کند (Campbell, 2008).

فرضیه‌های پژوهش

همان‌گونه که در بیان مسأله پژوهش گفته شد، در این مقاله، مؤلفه‌های مختلف زندگی اجتماعی (متغیرهای مستقل) به صورت متغیرهای پیش‌بین مؤلفه‌های آموزش سیاسی دانشجویان (متغیرهای ملاک یا وابسته) بررسی شدند. بر اساس این، فرضیه‌های اصلی زیر و با روش‌های آماری کمی تجزیه و تحلیل شدند:

- ۱- بین مهارت‌های زندگی اجتماعی با دانش سیاسی دانشجویان، رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲- بین مهارت‌های زندگی اجتماعی با نگرش سیاسی دانشجویان، رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳- بین مهارت‌های زندگی اجتماعی با مهارت سیاسی دانشجویان، رابطه معناداری وجود دارد.
- ۴- بین مهارت‌های زندگی اجتماعی با رفتار سیاسی دانشجویان، رابطه معناداری وجود دارد.
- ۵- مهارت‌های زندگی اجتماعی، پیش‌بینی‌کننده آموزش سیاسی دانشجویان است.
- ۶- جنسیت، پیش‌بینی‌کننده معناداری برای آموزش سیاسی دانشجویان است.

مدل نظری پژوهش

بر اساس چارچوب نظری پژوهش و همچنین فرضیه‌های

در این بین، برنامه‌های آموزش عالی باعث بهبود اعتماد اجتماعی، فهم سیاسی و مشارکت دانشجویان در فرایندهای سیاسی می‌شوند. علاوه بر این، پژوهش‌های بسیاری نشان‌دهنده تأثیر مثبت این آموزه‌ها در پیشرفت تحصیلی دانشجویان است. با این حال، هنوز هم برخی دانش‌آموختگان دانشگاهی از نظر سیاسی، دانش در خور توجهی ندارند (Colby, 2008). لی^۱ (2009) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که دانشگاه در کنار جوامع محلی و فرامحلی و سایر مؤسسات، یکی از زمینه‌های اصلی شکل‌گیری فرایند گرایش‌های سیاسی و درنهایت، جامعه‌پذیری سیاسی^۲ دانشجویان است. بر اساس این، برنامه‌های دانشگاه با کمک به شکل‌گیری و تکوین گرایش‌های شناختی، عاطفی و ارزیابانه^۳، در قالب گرایش‌های سیاسی دانشجویان، زمینه‌ساز جامعه‌پذیری سیاسی آنان خواهند بود.

نتایج پژوهش بیات‌ریزی (۱۳۷۹) به نقل از جهانگیری و ابوترابی زارچی (۱۳۹۱) نشان می‌دهند متغیرهایی مانند احساس کارآیی سیاسی، افتخار و مباحث ملی، آگاهی سیاسی، اعتماد به نظام سیاسی، ارزیابی عملکرد نهادها و سازمان‌ها، ارزیابی عملکرد سیاسی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، جامعه‌پذیری در طول زندگی، علاقه خانواده به مسائل سیاسی، جامعه‌پذیری در دانشگاه، رسانه‌های داخلی، نوع قرائت از دین، قوم‌گرایی، عام‌گرایی - خاص‌گرایی، ماهیت‌گرایی - عملکردگرایی و پیروی از نظام، با فرهنگ سیاسی دانشجویان، رابطه معناداری دارند.

هریگر^۴ و مک میلان^۵ (2002) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که بیشترین توجه و علاقه‌مندی دانشجویان در زمینه آموزش سیاسی به تجربه‌های آموزشی عملی و تجربی است. از نظر این دو، دانشجویان باید فرصت لازم را برای تجربه حیات زندگی دموکراتیک^۶ در کلاس‌های درس و برنامه‌های دانشگاهی داشته باشند.

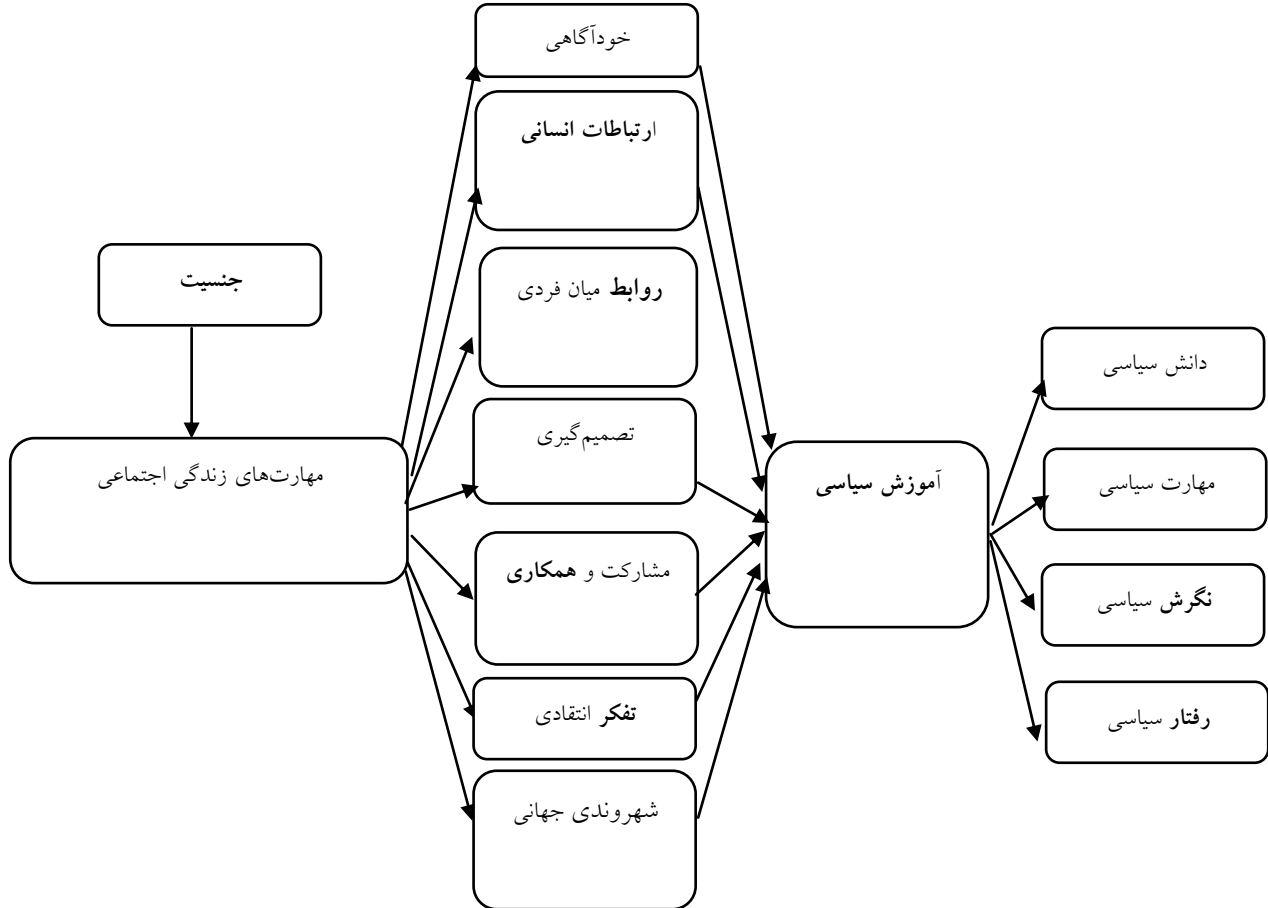
پژوهش‌ها نشان داده‌اند نوع آموزش و چگونگی تعامل

^۱ Li
^۲ political socialization
^۳ evaluative
^۴ Harriger
^۵ McMillan
^۶ democratic life

^۷ The IEA Civic Education Study (CIVED)

اصلی برآمده از آن، الگوی زیر، مدل نظری پژوهش در نظر گرفته می‌شود.

شکل ۱- مدل نظری اثر مهارت‌های زندگی اجتماعی در مؤلفه‌های آموزش سیاسی



روش شناسی

روش، جامعه و نمونه پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از حیث چگونگی جمع‌آوری داده‌ها، توصیفی است و در آن از روش همبستگی (۲) پیرسون و رگرسیون چندمتغیری همزمان) برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. جامعه پژوهش شامل کلیه دانشجویان کارشناسی و تحصیلات تکمیلی مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ دانشگاه شهید باهنر کرمان است که تعداد آنان ۱۳۰۵۰ نفر در سال پژوهش یعنی ۹۴-۹۳ بود. بر اساس فرمول کوکران و جدول مورگان، نمونه پژوهش نیز ۳۷۵ نفر برآورد شد. ابزار پژوهش به صورت نمونه‌گیری در دسترس در بین دانشجویان دانشکده‌های مختلف که به شکل

تصادفی انتخاب شده بودند (دانشکده‌های علوم انسانی، تربیت بدنی، حقوق، دامپزشکی، ریاضی و کامپیوتر، علوم و هنر) و بر اساس حجم دانشجویان هر دانشکده و به تفکیک تعداد دانشجویان کارشناسی و تحصیلات تکمیلی توزیع و داده‌ها گردآوری شد.

ابزار، روایی و پایایی

ابزار پژوهش شامل دو پرسشنامه محقق ساخته با نام «پرسشنامه بررسی مهارت‌های زندگی اجتماعی دانشجویان» و «پرسشنامه سنجش مؤلفه‌های آموزش سیاسی دانشجویان» بود. پرسشنامه اول با ۴۸ گویه، شامل مؤلفه‌های خودآگاهی، ارتباطات انسانی، روابط بین فردی، تصمیم‌گیری، مشارکت و

نسبت داده می‌شود.

فرضیه دوم: بین مهارت‌های زندگی اجتماعی با نگرش سیاسی دانشجویان، رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج جدول ۱ میزان همبستگی به دست آمده بین نگرش سیاسی با هر یک از مهارت‌های خودآگاهی، ارتباطات انسانی، روابط میان‌فردی، تصمیم‌گیری، مشارکت و همکاری، تفکر انتقادی و شهروندی جهانی به ترتیب، ۰/۴۹، ۰/۴۲، ۰/۵۳، ۰/۵۲، ۰/۵۳ و ۰/۴۴ است که نشان می‌دهد همگی همبستگی مثبت و در حد متوسطی با مؤلفه نگرش سیاسی دارند (آزمون دو دامنه، $n=375$ ، $P < 0/01$). بر اساس این، در این میان، بیشترین همبستگی به مهارت تصمیم‌گیری و تفکر انتقادی و کمترین آن به مهارت خودآگاهی مربوط است؛ بنابراین بیشترین واریانس توضیح داده شده هم برابر با ۲۰/۰۸ درصد و به مهارت‌های تصمیم‌گیری و تفکر انتقادی مربوط است؛ یعنی ۳۱/۳ درصد واریانس در داده‌های دانش سیاسی با هر یک از مهارت‌های تصمیم‌گیری و تفکر انتقادی توضیح داده می‌شود.

فرضیه سوم: بین مهارت‌های زندگی اجتماعی با مهارت سیاسی دانشجویان، رابطه معناداری وجود دارد. نتایج جدول ۱ نشان می‌دهند میزان همبستگی به دست آمده بین مؤلفه مهارت سیاسی با هر یک از مهارت‌های هفت‌گانه خودآگاهی، ارتباطات انسانی، روابط میان‌فردی، تصمیم‌گیری، مشارکت و همکاری، تفکر انتقادی و شهروندی جهانی به ترتیب، ۰/۴۳، ۰/۵۰، ۰/۳۱، ۰/۵۲، ۰/۴۰، ۰/۵۷ و ۰/۵۲ است که نشان می‌دهد همه مهارت‌ها، همبستگی مثبت و در حد متوسطی با مؤلفه مهارت سیاسی دارند (آزمون دو دامنه، $n=375$ ، $P < 0/01$). بر اساس نتایج این جدول، بیشترین همبستگی مربوط به مهارت تفکر انتقادی و کمترین آن مربوط به مهارت روابط میان‌فردی است؛ بنابراین نتیجه گرفته می‌شود ۳۲/۴۹ درصد از واریانس داده‌ها در این مؤلفه با مهارت تفکر انتقادی توضیح داده می‌شوند.

فرضیه چهارم: بین مهارت‌های زندگی اجتماعی با رفتار

همکاری، تفکر انتقادی و شهروندی جهانی، بر اساس ابزارهای سنجش مهارت‌های زندگی اجتماعی موجود و همچنین بهره‌گیری از مبانی نظری موضوع، طراحی شد و روایی صوری و محتوایی آن را برخی متخصصان علوم اجتماعی و علوم تربیتی شاغل در بخش‌های علوم اجتماعی و علوم تربیتی دانشگاه شهید باهنر کرمان (۱۰ نفر) تأیید کردند. پرسشنامه دوم نیز ابزاری شامل ۴۹ گویه است که برای سنجش مؤلفه‌های آموزش سیاسی دانشجویان در چهار مؤلفه دانش، نگرش، مهارت و رفتار سیاسی تهیه شد و روایی صوری و محتوایی آن را متخصصان علوم سیاسی و علوم اجتماعی شاغل در گروه‌های علوم سیاسی و علوم اجتماعی دانشگاه شهید باهنر کرمان (۱۰ نفر)، تأیید کرده‌اند. در این پژوهش، پایایی ابزار بر اساس ضریب آلفای کرونباخ، برای ابزار اول، ۰/۹۳ و برای ابزار دوم، ۰/۸۶ برآورد شد. داده‌ها با روش‌های آماری تحلیل همبستگی و رگرسیون چندمتغیری همزمان در نرم‌افزار آماری Spss نسل ۲۲ تحلیل شدند.

یافته‌ها

فرضیه اول: بین مهارت‌های زندگی اجتماعی با دانش سیاسی دانشجویان، رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهند میزان همبستگی بین مؤلفه دانش سیاسی با هر یک از مهارت‌های خودآگاهی، ارتباطات انسانی، روابط میان‌فردی، تصمیم‌گیری، مشارکت و همکاری، تفکر انتقادی و شهروندی جهانی به ترتیب، ۰/۵۴، ۰/۳۱، ۰/۳۷، ۰/۵۴، ۰/۴۴، ۰/۵۳ و ۰/۵۶ است که همگی نشان‌دهنده همبستگی مثبت در حد متوسط این مهارت‌ها با مؤلفه دانش سیاسی هستند (آزمون دو دامنه، $n=375$ ، $P < 0/01$). در این بین، بیشترین همبستگی به مهارت شهروندی جهانی و کمترین آن به مهارت خودآگاهی مربوط است. بیشترین واریانس توضیح داده شده (اندازه اثر) هم برابر با ۳۱/۳ درصد و مربوط به مهارت شهروندی جهانی است؛ یعنی ۳۱/۳ درصد واریانس در داده‌های دانش سیاسی به شهروندی جهانی

سیاسی دانشجویان، رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج جدول ۱ همچنین نشان می‌دهند همبستگی بین مؤلفه رفتار سیاسی با مهارت‌های خودآگاهی، ارتباطات انسانی، روابط میان‌فردی، تصمیم‌گیری، مشارکت و همکاری، تفکر انتقادی و شهروندی جهانی به ترتیب، ۰/۳۱، ۰/۳۴، ۰/۳۲، ۰/۴۰، ۰/۳۱، ۰/۴۰ و ۰/۴۰ است؛ بنابراین نشان می‌دهد تمامی این مهارت‌ها همبستگی مثبت و در حد متوسطی با مؤلفه

دانش سیاسی دارند (آزمون دو دامنه، $n=375$ ، $P < 0/01$). بیشترین همبستگی مربوط به مهارت‌های تصمیم‌گیری، تفکر انتقادی و شهروندی جهانی و کمترین همبستگی نیز مربوط به مهارت‌های خودآگاهی و مشارکت و همکاری است؛ بنابراین هر یک از این مهارت‌های تصمیم‌گیری، تفکر انتقادی و شهروندی جهانی، ۱۶ درصد از واریانس داده‌های مربوط به مؤلفه رفتار سیاسی را توضیح می‌دهند.

جدول ۱- ماتریس همبستگی میان مهارت‌های زندگی اجتماعی و مؤلفه‌های آموزش سیاسی دانشجویان

آموزش سیاسی		مهارت‌های زندگی اجتماعی	
رفتار سیاسی	مهارت سیاسی	نگرش سیاسی	دانش سیاسی
t	r	T	R
۳/۴۶	۰/۳۱	۵/۰۲	۳/۴۶
۳/۸۰	۰/۳۴	۶/۰۳	۵/۸۷
۳/۵۳	۰/۳۲	۳/۴۲	۴/۸۴
۴/۶۳	۰/۴۰	۶/۳۲	۶/۵۲
۳/۴۶	۰/۳۱	۴/۵۵	۶/۳۴
۴/۵۲	۰/۴۰	۷/۲۷	۶/۵۴
۴/۶۳	۰/۴۰	۶/۴۱	۵/۰۷

p<0/01

دانشجویان هستند. ضریب بتا مربوط به هر یک از این دو متغیر در مدل نشان می‌دهد با یک واحد استاندارد افزایش در مهارت تفکر انتقادی، ۰/۲۶ واحد استاندارد افزایش در مؤلفه آموزش سیاسی دانشجویان وجود خواهد داشت. همچنین یک واحد استاندارد افزایش در مهارت شهروندی جهانی، ۰/۱۵ واحد استاندارد افزایش را در مؤلفه آموزش سیاسی دانشجویان به دنبال دارد.

همچنین نتایج جدول ۲ مربوط به آزمون رگرسیون چندمتغیری همزمان درباره پیش‌بینی مؤلفه دانش سیاسی دانشجویان بر اساس مهارت‌های زندگی اجتماعی آنان نشان می‌دهند در مدل تحلیل رگرسیون برای آزمون این فرض، ۴۳ درصد از تغییرات دانش سیاسی دانشجویان با متغیرهای توضیحی این مدل توجیه می‌شود (R^2 تعدیل شده = ۰/۴۳۰).

فرضیه پنجم: مهارت‌های زندگی اجتماعی، پیش‌بینی‌کننده آموزش سیاسی دانشجویان است.

نتایج آزمون رگرسیون چندمتغیری همزمان درباره پیش‌بینی مؤلفه‌های آموزش سیاسی دانشجویان بر اساس مهارت‌های زندگی اجتماعی آنان نشان می‌دهند در مدل تحلیل رگرسیون برای آزمون این فرض، ۵۳/۱ درصد از تغییرات آموزش سیاسی دانشجویان با متغیرهای توضیحی این مدل (مهارت‌های زندگی اجتماعی) تبیین می‌شوند (R^2 تعدیل شده = ۰/۵۳۱، $p < 0/01$). خلاصه مدل در جدول ۲ دیده می‌شود. همچنین جدول ۳ اطلاعات مربوط به متغیرهای پیش‌بینی را ارائه می‌دهد که در مدل وارد و معنادار شده‌اند. بر اساس این، تنها مهارت‌های تفکر انتقادی و شهروندی جهانی، پیش‌بینی‌کننده معنادار آموزش سیاسی

زندگی اجتماعی آنان نشان می‌دهند در مدل تحلیل رگرسیون برای آزمون این فرض، $۴۱/۵$ درصد از تغییرات مهارت سیاسی دانشجویان با متغیرهای توضیحی این مدل تبیین می‌شود (R^2 تعدیل‌شده = $۰/۴۱۵$ ، $P < ۰/۰۱$ ، $F_{(۷, ۳۳۷)} = ۱۸/۵۱$). همچنین بر اساس اطلاعات جدول ۳ تنها مهارت‌های خودآگاهی، تفکر انتقادی و شهروندی جهانی، پیش‌بینی‌کننده معنادار مهارت سیاسی دانشجویان هستند. ضریب بتا مربوط به هر یک از این متغیرها در مدل نشان می‌دهد با یک واحد استاندارد افزایش در مهارت خودآگاهی، $۰/۱۶$ واحد استاندارد افزایش در مؤلفه مهارت سیاسی دانشجویان وجود خواهد داشت. همچنین یک واحد استاندارد افزایش در مهارت تفکر انتقادی، $۰/۳۰$ واحد استاندارد افزایش را در مؤلفه مهارت سیاسی دانشجویان به دنبال دارد. همچنین بر اساس نتایج این جدول، یک واحد استاندارد افزایش در مهارت شهروندی جهانی، $۰/۱۷$ واحد استاندارد افزایش را در مؤلفه مهارت سیاسی دانشجویان در پی خواهد داشت.

درنهایت، اطلاعات مربوط به آزمون رگرسیون چندمتغیری همزمان درباره پیش‌بینی مؤلفه رفتار سیاسی دانشجویان بر اساس مهارت‌های زندگی اجتماعی آنان در جدول ۲ نشان می‌دهند در مدل تحلیل رگرسیون برای آزمون این فرض، $۲۱/۶$ درصد از تغییرات رفتار سیاسی دانشجویان با متغیرهای توضیحی این مدل توجیه می‌شوند (R^2 تعدیل‌شده = $۰/۲۱۶$ ، $P < ۰/۰۱$ ، $F_{(۷, ۳۳۷)} = ۱۸/۵۱$). بر اساس اطلاعات جدول ۳ تنها مهارت خودآگاهی، پیش‌بینی‌کننده معنادار رفتار سیاسی دانشجویان است. بتا مربوط به این متغیر در مدل نشان می‌دهد با یک واحد استاندارد افزایش در مهارت خودآگاهی، $۰/۲۵$ واحد استاندارد افزایش در رفتار سیاسی دانشجویان وجود خواهد داشت.

همچنین بر اساس اطلاعات جدول ۳ فقط مهارت‌های تفکر انتقادی و شهروندی جهانی، پیش‌بینی‌کننده معنادار دانش سیاسی دانشجویان هستند. ضریب بتا مربوط به هر یک از این دو متغیر در مدل نشان می‌دهد با یک واحد استاندارد افزایش در مهارت تفکر انتقادی، $۰/۳۲$ واحد استاندارد افزایش در مؤلفه دانش سیاسی دانشجویان وجود خواهد داشت. همچنین یک واحد استاندارد افزایش در مهارت شهروندی جهانی، $۰/۲۱$ واحد استاندارد افزایش را در مؤلفه دانش سیاسی دانشجویان به دنبال خواهد داشت.

اطلاعات مربوط به آزمون رگرسیون چندمتغیری همزمان درباره پیش‌بینی مؤلفه نگرش سیاسی دانشجویان بر اساس مهارت‌های زندگی اجتماعی آنان در جدول ۲ نشان می‌دهند در مدل تحلیل رگرسیون برای آزمون این فرض، $۳۶/۵$ درصد از تغییرات نگرش سیاسی دانشجویان با متغیرهای توضیحی این مدل تبیین می‌شود (R^2 تعدیل‌شده = $۰/۳۶۵$ ، $P < ۰/۰۱$ ، $F_{(۷, ۳۳۷)} = ۱۸/۵۱$). همچنین بر اساس اطلاعات جدول ۳ تنها مهارت‌های مشارکت و همکاری و تفکر انتقادی، پیش‌بینی‌کننده معنادار آموزش سیاسی دانشجویان هستند. ضریب بتا مربوط به هر یک از این دو متغیر در مدل نشان می‌دهد با یک واحد استاندارد افزایش در مهارت مشارکت و همکاری، $۰/۱۹$ واحد استاندارد افزایش در مؤلفه نگرش سیاسی دانشجویان وجود خواهد داشت. همچنین یک واحد استاندارد افزایش در مهارت تفکر انتقادی، $۰/۲۰$ واحد استاندارد افزایش را در مؤلفه نگرش سیاسی دانشجویان به دنبال دارد.

نتایج آزمون رگرسیون چندمتغیری همزمان درباره پیش‌بینی مؤلفه‌های مهارت سیاسی دانشجویان بر اساس مهارت‌های

جدول ۲- خلاصه مدل‌های رگرسیون چندمتغیری همزمان درباره پیش‌بینی مؤلفه‌های آموزش سیاسی دانشجویان بر اساس مهارت‌های زندگی اجتماعی آنان

مدل	Reg. df	F	R	R ²	R ² تعدیل شده	SE	دوربین - واتسون	Sig.
۱: آموزش سیاسی	۷	۱۸/۵۱	۰/۷۴۹	۰/۵۶۲	۰/۵۳۱	۰/۳۲۱	۱/۹۴۷	۰/۰۰۰
۲: دانش سیاسی	۷	۱۲/۶۶	۰/۶۸۳	۰/۴۶۷	۰/۴۳۰	۰/۴۶۲	۲/۲۰۳	۰/۰۰۰
۳: نگرش سیاسی	۷	۰۹/۸۸	۰/۶۳۷	۰/۴۰۶	۰/۳۶۵	۰/۴۱۸	۱/۷۵۳	۰/۰۰۰
۴: مهارت سیاسی	۷	۱۱/۹۵	۰/۶۷۱	۰/۴۵۱	۰/۴۱۵	۰/۴۰۱	۱/۸۹۷	۰/۰۰۰
۵: رفتار سیاسی	۷	۵/۲۷	۰/۵۱۶	۰/۲۶۷	۰/۲۱۶	۰/۵۹۵	۲/۱۲۸	۰/۰۰۰

p<0/05

باقیمانده‌ها) وجود ندارد و مستقل از یکدیگر هستند؛ بنابراین با برقراربودن فرض استقلال خطاها، استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) برای برآورد رگرسیون خطی در هر یک از مدل‌های این پژوهش توجیه می‌شود.

نتایج آماره دوربین واتسون در هر یک از مدل‌های پنج‌گانه جدول ۲ نشان می‌دهند میزان این آماره برای هر یک از مدل‌های رگرسیونی بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد؛ یعنی خودهمبستگی بین پسماندهای رگرسیون (خطاهای مدل یا

جدول ۳- پیش‌بین‌های معنادار در آزمون رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی مؤلفه‌های آموزش سیاسی دانشجویان بر اساس مهارت‌های زندگی اجتماعی آنان

ملاک	پیش‌بین	β	Std. E.	T	Sig.
آموزش سیاسی	تفکر انتقادی	۰/۲۶	۰/۰۷	۳/۵۷	۰/۰۰
(مدل ۱)	شهروندی جهانی	۰/۱۵	۰/۰۶	۲/۵۱	۰/۰۱
دانش سیاسی	تفکر انتقادی	۰/۳۲	۰/۱۱	۲/۷۷	۰/۰۰
(مدل ۲)	شهروندی جهانی	۰/۲۱	۰/۰۹	۲/۲۱	۰/۰۲
نگرش سیاسی	مشارکت و همکاری	۰/۱۹	۰/۰۹	۲/۰۵	۰/۰۴
(مدل ۳)	تفکر انتقادی	۰/۲۰	۰/۰۹	۲/۱۶	۰/۰۳
مهارت سیاسی	خودآگاهی	۰/۱۶	۰/۰۸	۲/۰۱	۰/۰۴
(مدل ۴)	تفکر انتقادی	۰/۳۰	۰/۰۹	۳/۳۹	۰/۰۰
رفتار سیاسی	شهروندی جهانی	۰/۱۷	۰/۰۷	۲/۲۹	۰/۰۲
(مدل ۵)	خودآگاهی	۰/۲۵	۰/۱۲	۲/۰۸	۰/۰۴

p<0/05

پیش‌بین معناداری برای آموزش سیاسی دانشجویان نیست (P=۰/۳۴)؛ بنابراین فرضیه ششم رد می‌شود؛ یعنی دختر یا پسر بودن دانشجویان، متغیر مناسبی برای پیش‌بینی آموزش سیاسی دانشجویان نیست. خلاصه مدل در جدول ۴ ارائه شده است.

فرضیه ششم: جنسیت، پیش‌بین معناداری برای آموزش سیاسی دانشجویان است. واردکردن متغیر جنسیت در مدل رگرسیون چندمتغیری همزمان درباره پیش‌بینی مؤلفه‌های آموزش سیاسی دانشجویان بر اساس مهارت‌های زندگی اجتماعی نشان داد جنسیت،

معنادار هستند.

با این حال، نتایج جدول ۴ نشان می‌دهند در این مدل، مهارت‌های تصمیم‌گیری، تفکر انتقادی و شهروندی جهانی،

جدول ۴- نتایج آزمون رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی مؤلفه‌های آموزش سیاسی دانشجویان بر اساس مهارت‌های زندگی اجتماعی آنان با وارد کردن متغیر جنسیت

ملاک	پیش‌بین	β	Std. E.	T	Sig.
آموزش سیاسی	تصمیم‌گیری	۰/۱۶	۰/۰۸	۲/۰۸	۰/۰۳
	تفکر انتقادی	۰/۲۴	۰/۰۷	۳/۱۷	۰/۰۰
	شهروندی جهانی	۰/۱۵	۰/۰۶	۲/۵۰	۰/۰۱
	جنسیت	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۹۳	۰/۳۵

$p < 0/05$

بحث و نتیجه

پژوهش حاضر بر این ایده استوار بود که مهارت‌های زندگی اجتماعی دانشجویان با مؤلفه‌های آموزش سیاسی دانشجویان رابطه دارند و این مهارت‌ها، پیش‌بینی‌کننده مناسبی برای آموزش سیاسی دانشجویان هستند. آزمون فرضیه‌های پژوهش، نشان‌دهنده تأیید این روابط در میان جامعه پژوهشی مدنظر بود و سهم هر یک از مهارت‌های پیش‌بین نیز مشخص شد. نتایج نشان دادند همه مهارت‌های زندگی اجتماعی دانشجویان، رابطه مثبت، معنادار و در حد متوسطی با هر یک از مؤلفه‌های آموزش سیاسی دانشجویان دارند. بر اساس این، همبستگی بین مؤلفه دانش سیاسی با هر یک از مهارت‌های خودآگاهی، ارتباطات انسانی، روابط میان‌فردی، تصمیم‌گیری، مشارکت و همکاری، تفکر انتقادی و شهروندی جهانی، مثبت و در حد متوسط برآورد شد و بیشترین همبستگی را نیز مهارت شهروندی جهانی با دانش سیاسی داشت. این موضوع نشان می‌دهد بهبود و توجه به مهارت‌های شهروندی جهانی دانشجویان، یعنی مقوله‌هایی مانند فهم و قدرشناسی از تعامل فرهنگی و اجتماعی، تلاش برای صلح، کوشش برای شناخت و ارتقای حقوق بشر، قدرت برقراری ارتباط با مردم سایر جوامع و اهمیت دادن و احترام به ارزش‌های زیربنایی قوانین بین‌المللی، رابطه معناداری با بهبود و گسترش دانش سیاسی

آنان دارند. در حوزه نگرش سیاسی، بیشترین همبستگی میان مهارت‌های تصمیم‌گیری و تفکر انتقادی با این مؤلفه مشاهده شد؛ بنابراین، این گونه نتیجه‌گیری می‌شود که بهبود و افزایش مقوله‌هایی مانند تصمیم‌گیری فعالانه بر مبنای آگاهی، تصمیم‌گیری بر مبنای ارزیابی دقیق موقعیت‌ها، آمادگی برای تغییر تصمیم‌ها برای انتخاب گزینه مناسب، استفاده از معیارهای مرتبط برای انتخاب گزینه مناسب، گردآوری اطلاعات به هنگام تصمیم‌گیری و بررسی دقیق منابع و عقاید و ارزیابی اعتبار آن‌ها، بررسی دقیق موقعیت‌ها با پرسیدن، مشاهده موقعیت‌ها از دیدگاه‌های مختلف و ارزیابی دلایل و شواهد آن‌ها، دقت در تفکر و داشتن دید وسیع و دقیق به مسائل، تشخیص درست از نادرست و داشتن ذهنی باز و متفکرانه برای اظهارنظر درباره مسائل نیز رابطه معناداری با بهبود نگرش سیاسی دانشجویان دارند. بیشترین همبستگی در حیطه مهارت سیاسی نیز میان مهارت تفکر انتقادی و مهارت سیاسی دیده شد که نشان‌دهنده اهمیت تقویت و ایجاد مهارت‌های تفکر انتقادی در دانشجویان برای بهبود مهارت سیاسی دانشجویان است. بر اساس این، مقوله‌های زیرمجموعه تفکر انتقادی مانند بررسی موقعیت‌ها از دیدگاه متفاوت، ارزیابی اعتبار ایده‌ها، به‌کارگیری معیارهای درست برای انتخاب گزینه‌ها و غیره، رابطه معناداری با مهارت

سیاسی مشاهده می‌شود؛ پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های دانشگاه، به‌ویژه برنامه‌های درسی و فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی دانشگاهی بر تقویت و افزایش این مهارت‌ها تأکید شود. در این راستا توصیه می‌شود مهارت‌های اتخاذ تصمیم مناسب در موقعیت‌های چالش‌برانگیز و همچنین شیوه‌های ایجاد و گسترش نگرش و نگاه انتقادی به موضوعات در کارگاه‌ها یا برنامه‌های رسمی دانشگاهی آموزش داده شوند.

۳- باهم‌نگری در یافته‌ها نشان می‌دهد مهارت‌های تفکر انتقادی، شهروندی جهانی و خودآگاهی، مهم‌ترین متغیرهای پیش‌بین مؤلفه‌های آموزش سیاسی به شمار می‌روند؛ بنابراین بهبود این مهارت‌ها در قالب مهارت‌های زندگی اجتماعی دانشجویان و با برنامه‌های درسی و فرا برنامه‌ای دانشگاه مانند برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی یا برگزاری کارگاه‌های ارتقای مهارت‌های زندگی اجتماعی، توصیه می‌شود زمینه‌های گسترش مؤلفه‌های آموزش سیاسی دانشجویان و بروز و مصداق عملی آن یعنی افزایش مشارکت سیاسی و اجتماعی دانشجویان را در پی داشته باشد.

منابع

- امام‌جمعه‌زاده، س.، رهبرقاضی، م.، عیسی‌نژاد، ا. و مرندی، ز. (۱۳۹۱). «بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، س ۷، ش ۴، ص ۳۴-۷.
- امیری برمکوهی، ع. (۱۳۸۸). «آموزش مهارت‌های زندگی برای کاهش افسردگی»، *فصلنامه روان‌شناسان ایرانی*، س ۵، ش ۲۰، ص ۳۰۶-۲۹۷.
- امینی، م.، صدیق ارفعی، ف. و قدمی، م. (۱۳۸۸). «بررسی اثربخشی برنامه درسی تربیت سیاسی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان، مطالعه موردی» شهر کاشان»، *دانشور رفتار*، س ۱۶، ش ۳۶، ص ۵۴-۴۱.

سیاسی دانشجویان دارند. درباره مؤلفه رفتار سیاسی نیز بیشترین همبستگی میان این مؤلفه با مهارت‌های تصمیم‌گیری، تفکر انتقادی و شهروندی جهانی دیده می‌شود که نشان‌دهنده رابطه معنادار این مهارت‌ها با رفتار سیاسی دانشجویان است. نتایج پژوهش درباره متغیرهای پیش‌بینی‌کننده آموزش سیاسی دانشجویان و مؤلفه‌های زیرمجموعه آن نیز نشان می‌دهند مهارت‌های تفکر انتقادی و شهروندی جهانی، پیش‌بین مناسبی برای آموزش سیاسی، مهارت‌های تفکر انتقادی و شهروندی جهانی، پیش‌بین خوبی برای دانش سیاسی، مشارکت و همکاری و تفکر انتقادی، پیش‌بین مناسبی برای نگرش سیاسی، خودآگاهی، تفکر انتقادی و شهروندی جهانی، پیش‌بین مناسبی برای مهارت سیاسی و مهارت خودآگاهی نیز متغیر پیش‌بین خوبی برای رفتار سیاسی دانشجویان هستند.

پیشنهادهای پژوهش

بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه می‌شوند:

۱- از آن‌جا که بیشترین همبستگی میان مهارت شهروندی جهانی با دانش سیاسی و همچنین رفتار سیاسی دانشجویان مشاهده می‌شود، توصیه می‌شود به مؤلفه‌های مرتبط با شهروندی جهانی در برنامه‌های دانشگاهی توجه بیشتری شود. در این میان، برنامه درسی مربوط به حوزه علوم انسانی و اجتماعی، زمینه مناسبی برای بررسی این مهارت است. این برنامه‌ها در راستای فهم و قدرشناسی از تعامل فرهنگی و اجتماعی، تلاش برای شناخت و ارتقای حقوق بشر، احترام به ارزش‌های زیربنایی قوانین بین‌المللی و کوشش برای صلح، می‌توانند طراحی و اجرا شوند.

۲- با توجه به اینکه در حوزه نگرش سیاسی، بیشترین همبستگی بین مهارت‌های تصمیم‌گیری و تفکر انتقادی با این مؤلفه و در حیطه مهارت سیاسی و رفتار سیاسی نیز بیشترین همبستگی میان مهارت تفکر انتقادی و مهارت سیاسی و رفتار

- چارویس، پ. (۱۳۹۰). آموزش بزرگسالان و آموزش مداوم، ترجمه سرمد، غ.ع. تهران: سمت.
- بشیریه، ح. (۱۳۸۰). آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری)، تهران: نشر نگاه معاصر.
- بهره‌مند، ا. (۱۳۹۲). بررسی رابطه آموزش تفکر با مهارت‌های زندگی دانشجویان کارشناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ‌نشده، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- جهانگیری، ج. و ابوترابی زارچی، ف. (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر میزان استفاده از رسانه‌های جمعی بر مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی دانشجویان»، پژوهشنامه علوم سیاسی، س ۷، ش ۴، ص ۸۹-۱۲۲.
- سازمان بهداشت جهانی. (۱۳۸۰). برنامه آموزش مهارت‌های زندگی، ترجمه محمدخانی، پ. و قاسم‌آبادی، ر. تهران: انتشارات سازمان بهزیستی کشور، معاونت فرهنگی و پیشگیری.
- سهرابی، ر.، محمدی، ا. و ارفعی، ا. (۱۳۹۰). «اثربخشی مهارت‌های زندگی در سبک‌های مقابله‌ای نوجوانان دختر»، زن و مطالعات خانواده، س ۱۴، ش ۱۳، ص ۵۹-۴۵.
- سید امامی، ک. و منتظری مقدم، ر. (۱۳۹۱). «نقش فرهنگ اعتماد و عملکرد نهادهای سیاسی در ایجاد اعتماد سیاسی: بررسی پیمایشی دانشجویان دانشگاه‌های تهران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، س ۷، ش ۴، ص ۲۱۴-۱۸۹.
- شرفی، م. (۱۳۹۰). مهارت‌های زندگی در سیره رضوی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- لطیفیان، م. و سیف، د. (۱۳۸۶). «بررسی تأثیر خودآگاهی بر اختلافات روابط بین فردی دانشجویان»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ش ۳، ص ۱۵۰-۱۳۸.
- مزوقی، ر. (۱۳۸۴). «تربیت مدنی از دیدگاه اسلام: رویکردی به پرورش سیاسی»، فصلنامه تربیت اسلامی، س ۱، ش ۱، ص ۹۳-۱۰۷.
- مصطفی‌نژاد، ع. (۱۳۸۶). فرهنگ سیاسی در ایران. تهران: فرهنگ صبا.
- معین‌آبادی، ح. و سلطانی، ا. (۱۳۹۴). «بررسی نقش دانشگاه در بهبود مؤلفه‌های آموزش سیاسی دانشجویان، مطالعه موردی: دانشگاه شهید باهنر کرمان»، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۱۰، س ۱۱، ش ۱، ص ۶۷-۹۴.
- نوری قاسم‌آبادی، ر. و محمدخانی، پ. (۱۳۷۳). برنامه آموزش مهارت‌های زندگی، تهران: انتشارات معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور.
- Allen, R. Madison, D. Porter, L. Renwick, P. & Mayes, B. (1979) "Organizational Politics: Tactics and Characteristics of Its actors", *California Management Review*, 22: 77-83.
- Baradat, L.P. (2011) *Political Ideologies: Their origins and impact*, London: Pearson PLC.
- Boleman, C. (2004) "Parents' Perceptions of Life Skills Gained by Youth Participating in the 4-H Beef Project", *Journal of Extension*, 42(5) Retrieved from <http://www.joe.org/joe/2004october/rb6.php>
- Botvin, G.J. and Kantor. L.W. (2007) "Preventing Alcohol and Tobacco Use Through Life Skills Training", *Journal of Alcohol Research & Health*, 24 (4):8-25.
- Campbell, D.E. (2008) "Voice in the Classroom: How an Open Classroom Climate Fosters Political Engagement among Adolescents", *Political Behavior*, 30: 437-454.
- Cassel, C.A. and Lo, C.C. (1997) "Theories of Political Literacy", *Political Behavior*, 19(4): 317-335.
- Chang, C.L. (2014) "The Interaction of Political Behaviors in Information Systems Implementation Processes – Structuration Theory", *Computers in Human Behavior*, 33: 79-91.
- Colby, A. (2008) *The place of political learning in college*, AAC&U, Spring/Summer.
- Crick, B. and Lister, I. (1974) "Political literacy: The centrality of the concept", In B. Crick and I. Lister (Eds.) *Political Education and Political Literacy*. London: Longman.
- Dow, J.K. (2009) "Gender Differences in Political

- Educational Development*, 7(4): 243-250.
- Li, J. (2009) "Fostering Citizenship in China's Move from Elite to Mass Higher Education: An Analysis of Students' Political Socialization and Civic Participation", *International Journal of Educational Development*, 29: 382-398.
- Lomas, B.P. (1999) *Education for citizenship: Comparative lessons for Northern Ireland*. Unpublished Dissertation, Queen's University of Belfast (United Kingdom).
- Loeser, D.M. Bailey, S.J. Benson, R.L. & Deen, M.Y. (2004) "Measuring Impacts with Young Audiences: Adapting a Life-Skills Instrument for Use with Third- to Fifth-Grade Youth", *Journal of Extension*, 42(4), available at: <http://www.joe.org/joe/2004august/rb1.shtml>.
- Maas, C.D. Fleming, C.B. Herrenkohl, T.I. & Catalano, R.F. (2010) "Childhood Predictors of Teen Dating Violence Victimization", *Violence and Victims*, 25(2): 131-149.
- Manalo, E. Kusumi, T. Koyasu, M. Michita, Y. & Tanaka, Y. (2013) "To What Extent Do Culture-Related Factors Influence University Students' Critical Thinking Use?". *Thinking Skills and Creativity*, 10: 121-132.
- Markovik, M. (2010) "Political Attitude and Personality in a Democratic Society", *The Western Balkans Policy Review*, 1(1): 168-184.
- McAllister, C.P. Ellen, B.P. Perrewe, P.L. Ferris, G.R. & Hirsch, D.J. (2015) "Checkmate: Using Political Skill To Recognize And Capitalize On Opportunities in the 'Game' of Organizational Life", *Business Horizons*, 58:25-34.
- Mondak, J.J. (1999) "Reconsidering the Measurement of Political Knowledge", *Political Analysis*, 8(1): 57-82.
- Montgomery, H. (1983) "Decision rules and the research for a dominance structure: toward a process model for decision making", In H. Montgomery and O. Svenson (Eds.) *Process and structure in human decision making*, Chichester: Wiley.
- Orlikowski, W.J. (2000) "Using Technology and Constituting Structures: A Practice Lens for Studying Technology in Organizations", *Organization Science*, 11(4): 404-428.
- Oxfam, (2006) *What is global citizenship?* Available: <http://www.oxfam.org.uk/education/globalcitizenship/what-is-global-citizenship>.
- Predescu, M. and Darjan, I. (2008) Embedding Key-Competences in Adult Trainers Teaching Practices – appropriate path to further specialization / professionalization, *ASEM Knowledge: Distinguishing Characteristics-Based and Returns-Based Differences*", *Political Behavior*, 31: 117-136.
- Ellen, B.P. Ferris, G.R. & Buckley, M.R. (2013) "Leader Political Support: Reconsidering Leader Political Behavior", *The Leadership Quarterly*, 24: 842-857.
- Ferris, G.R. Treadway, D.C. Perrewe, P.L. Brouer, R.L. Douglas, C. & Lux, S. (2007) "Political Skill in Organizations", *Journal of Management*, 33(3): 290-320.
- Fox, L. Dunlap, G. Hemmeter, M.L. Joseph, G.E. & Strain, P.S. (2003) "The Teaching Pyramid: A Model for Supporting Social Competence and Preventing Challenging Behavior in Young Children", *Young Children*, 58 (4): 48-52.
- Fung, D. (2014) "Promoting Critical Thinking Through Effective Group Work: A Teaching Intervention for Hong Kong primary School Students", *International Journal of Educational Research*, 66: 45-62.
- Geboers, E. Geijsel, F. Admiraal, W. and Dam, G. (2013) "Review of the Effects of Citizenship Education", *Educational Research Review*, 9: 158-173.
- Ghazi Jarrar, A. (2012) "Global Citizenship Education in Jordanian Universities", *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 47: 1922 - 1926.
- Gutmann, A. (1989) *Democratic education*. New Jersey: Princeton University.
- Harriger, K. and McMillan, J. (2002) *Citizenship deferred: political attitudes, experiences, entering expectations students at a liberal arts college*. Prepared for delivery August 30, 2002 at the annual conference of the American Political Science Association. Presented at the annual meeting of the American Political Science Association.
- Hillygus, D. S. (2005) "The Missing Link: Exploring the Relationship between Higher Education and Political Engagement", *Political Behavior*, 27(1): 25-47.
- Hooghe, M.H. & Dassonneville, R. (2011) "The effects of Civic Education on Political Knowledge. A two Year Panel Survey Among Belgian Adolescents", *Educational Assessment, Evaluation and Accountability*, 23: 321-339.
- Jenkins, H. (1985) "A Research Tool for Measuring Perceptions of Clinical Decision Making", *Journal of Professional Nursing*, 1(4):221-229.
- Lee, S. (1997) "Political Education and Civil Education – The British Perspective and the Hong Kong Perspective", *International Journal of*

- LLL HUB Conference*, Bergish Gladbach: Germany.
- Predescu, M. and Darjan, I. (2010) "Promoting Political Participation Through Adult Education", *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2: 3241–3245.
- Rindermann, H. Flores-Mendoza, C. & Woodley, M.A. (2012) "Political Orientations, Intelligence and Education", *Intelligence*, 40: 217–225.
- Rindermann, H. (2008) "Relevance of Education and Intelligence for the Political Development of Nations: Democracy, Rule of Law and Political Liberty", *Intelligence*, 36: 306–322.
- Sawi, G.E. & Smith, M.F. (1997) "Skills and Competencies in 4-H Curriculum Materials", *Journal of Extension*, 35(2): Available: <http://www.joe.org/joe/1997april/a1/html>.
- Soule, S.R. (2003) *The crucible of democracy: civic education in Bosnia and Herzegovina*. Unpublished Dissertation, University of California, Santa Barbara.
- Stoner, L. Perry, L. Wadsworth, D. Stoner, K.R. Tarrant, M.A. (2014) "Global Citizenship Is Key to Securing Global Health: The Role of Higher Education", *Preventive Medicine*, 64:126–128.
- Vanhanen, T. (2007) Limits of democratization. Klaukkala: Paper prepared for presentation at the APSA Annual Meeting, *APLS panel on Bio-policy in Chicago*, August 30 – September.
- Wolak, J. and McDevitt, M. (2011) "The Roots of the Gender Gap in Political Knowledge in Adolescence", *Political Behavior*, 33: 505-533.